

تاریخ اسلام و ایران

فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا

سال نوزدهم، دوره جدید، شماره ۳، پیاپی ۷۹، پاییز ۱۳۸۸

سیاست مذهبی نادر شاه در قفقاز

مرتیضی دهقان نژاد^۱، لقمان دهقان تیری^۲

رمان سمباتیان^۳

چکیده

در خصوص عقاید دینی نادر و ارتباط آن با حوزه سیاست تاکنون نظرات مختلفی ابراز شده است. برخی او را سنی مذهب می دانند، پاره ای او را شیعه معتقد و بعضی دیگر او را مبدع دین جدید جهانی معرفی کرده اند و دست آخر اینکه عده ای او را فاقد دین دانسته اند که صرفاً دین را ابزاری در جهت وصول به سیاست دنیوی تلقی می کرد. اما مسلم است که نادر به خدای یگانه اعتقاد داشت.

در قفقاز عصر نادری مثل ادورا قدیم، گروه های مختلف قومی - دینی نظیر مسیحیان، مسلمانان و اندکی یهودی می زیستند. آمیزه ای از نژادها، زبانها و اقوام مختلف که روسها و عثمانیها به بهانه حمایت از همکیشان خود به مداخله و بسط قدرت در آنجا می پرداختند. پیشنهاد

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

۳. دانشجوی دکتری گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت: ۸۸/۲/۲۰ تاریخ تصویب: ۸۸/۶/۱۶

نادر در خصوص همزیستی ادیان، جهت برطرف کردن خط فاصل بین دو فرقه بزرگ اسلامی شیعه و سنی بود؛ در باب مسیحیان قفقاز به ویژه ملیک ها و جاثلیق های ارمنی، سیاست نادر متمایل به واقع گرایی بود و با تصدیق حقوق و امتیازات کلیسای اچمیادزین و ملیک های ارمنی، آنان را با سیاست منطقه ای ایران در قفقاز همراه کرد. نادر با ارزیابی صحیح نقش دین در جوامع شرقی، قصد داشت ضمن آشنایی با ادیان مردم قلمرو تحت امرش بر عناصر همگرا تاکید ورزد، ترجمه کتب مقدس هم نتیجه چنین سیاستی بود. تحلیل سیاست های مذهبی نادر در قفقاز، موفقیت نسبی او را در این منطقه مسجل می سازد.

واژه های کلیدی: نادر، قفقاز، سیاست مذهبی، نهاد جاثلیقی، نقد و

بررسی

مقدمه

در پی سقوط دولت صفوی منطقه قفقاز صحنه ی تعرضات و منازعات پیچیده ای شد که سیاست های کوتاه اندیشانه ی شاه سلطان حسین در زمینه اقلیت های قومی - مذهبی یکی از علل اصلی چنین اوضاعی به حساب می آمد. در پی نابسامانی های دربار اصفهان، اقلیت های مذکور که عموماً در شهرها و مناطق مرزی می زیستند بار دیگر اندیشه جدایی طلبی و واگرایی نسبت به حکومت مرکزی ایران در پیش گرفتند. چنین وضعی عرصه را برای قدرتهای رقیب ایران مانند روسیه و عثمانی فراهم کرد که با بهانه حمایت از هم کیشان خود در منطقه قفقاز شروع به جولان و قدرت نمایی کنند. عثمانی طبق معمول از سنی های اران، شیروان و داغستان حمایت می کرد؛ روس ها هم به بهانه حمایت از مسیحیان منطقه در پی بسط نفوذ خود بودند. ایران هم بنا به سیاست دیرین خود با تکیه بر طوایف قزلباش که در طول دوران صفوی در قفقاز اسکان داده شده بودند، سعی در تسلط بر منطقه داشت.

سیاست‌های نادر در این دوران در واقع بر ایند حوادث و وقایعی است که در پی سقوط صفویان و فترت افغانها سراسر ایران رادر برگرفته بود. از این میان سیاستهای مذهبی نادر به سبب تأثیری که بر روند تحولات تاریخی - مذهبی ایران و جهان اسلام دارد و به ارایه تعریف تازه ای از رابطه دین و دولت می پردازد، نظر بسیاری از اهل تحقیق را به خود جلب کرده است. آنچه در اینجا از آن تحت عنوان سیاست مذهبی نادر در قفقاز یاد می شود، حجم اندکی از تحقیقات را به خود اختصاص داده است و آن هم بیشتر در زمینه ارتباط نادر با جاثلیق آبراهام کرتاستی است. البته نمی توان سخن از سیاست مخصوص نادر در قفقاز به میان آورد ولی با توجه به ویژگی‌های دینی - قومی و هم مرز بودن منطقه با عثمانی و روسیه می توان گفت سیاست نادر تحت تأثیر ویر مبنای این ویژگیها شکل گرفته است که برجسته ترین جزء آن، سیاست مذهبی او نسبت به اقوام و متولیان دینی منطقه بود. در این نوشتار دیدگاه کلی نادر نسبت به امور دینی، پیشنهاد وی در خصوص تلفیق مذاهب در دشت مغان، مناسبات نادر با رهبران سیاسی - مذهبی و اقوام منطقه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. اساساً جستار حاضر در پی پاسخگویی به دو پرسش عمده است. اول آنکه نقش دین در کنترل سیاسی - اجتماعی منطقه قفقاز با توجه به قرار گرفتن آن در بین سه قدرت ایران، عثمانی و روسیه به چه میزان بوده است؟ و دیگر اینکه پیامدهای سیاست مذهبی نادر در قفقاز چه بود و چه دستاوردهایی برای دولت نادری به بار آورد؟ منابع تحقیق عموماً مبتنی بر اسناد و منابع دست اول ارمنی، روسی، فارسی و انگلیسی بالخصوص مرکز اسناد و نسخ خطی ماتناداران واقع در کشور ارمنستان است.

دیدگاه کلی نادر نسبت به دین

در خصوص عقاید دینی نادر و سیاست مذهبی او تا کنون نظرات مختلفی ارائه شده است. برخی وی را با توجه به مذهب اجداد ترکمانش سنی و حامی اهل سنت خوانده اند (استرآبادی، میرزا مهدی خان - ۲۶۹، ۱۳۷۷؛ شعبانی، رضا، ۱۳۴۹: ۱۱۳۲) نظر دیگران را به سبب تظاهرات مذهبی اش در عتبات عالیات و مشهد و نامهای فرزندانش یک شیعه معتقد معرفی می کند. (مروی، محمد کاظم، ۱۳۵۸: ۲۰۱، ۸۲۶-۸۲۷، ۹۲۱-۹۲۵) جونس هنوی او را مدعی و آفریننده یک دین

جدید جهانی می‌داند. (هنوی، جونس ۱۳۶۵: ۲۶۵-۲۶۲) بازن معتقد است تنها چیزی که نادر به آن باور داشت شخص خود بود و او اصلاً پیرو هیچ دینی نبود، بلکه دین را وسیله‌ای جهت نیل به اهداف شخصی خود می‌دانست. (شعبانی، رضا، همان: ۱۱۵۲) بنا به پژوهش‌های جدید ارنست تا کر دین در نظر نادر یکی از عناصر مهم به دست آوردن مشروعیت قدرت سیاسی محسوب می‌شد که نادر چه در سیاست‌گذاری داخلی و چه خارجی به آن توجه خاص داشته و آن را به کار می‌بسته. (Tucker, S Ernest, 2006: 2-12) منابع ارمنی معاصر نادر هم از تساهل او نسبت به ادیان دیگر و قصد او جهت آشنایی نزدیکتر با تمامی ادیان سخن گفته‌اند. کشمیشف^۱ بر این عقیده است که نادر می‌خواست دین جدید جهانی به وجود آورد. (Kishmishev, S. O, 1889)

(: 213)

اما نظر تازه و مقرون به واقع آن است که مایکل آکسورتی ابراز داشته است. وی بر بعد روان‌شناختی نادر تاکید می‌کند و معتقد است که یتیم بودن نادر، بیوگی مادرش و بی‌اعتنایی اهل سنت به وضعیت ایشان می‌توانست بر دیدگاه‌های نادر درباره دین تاثیر منفی بگذارد و جلوه‌ای منفی از تشنگی دینی در ذهن او ترسیم کند (Axworthy, Michael, 2006 : 20) بر نظر آکسورتی می‌توان نکته‌ای دیگر افزود و آن اسارت نادر در دوران کودکی توسط ازبک‌های سنی مذهب و مصائب متعاقب است.

نادر بنا به تجربه‌ی زندگی خود دریافته بود که عواقب رقابت‌ها و خصومت‌های مذهبی ایران با همسایگان سنی‌اش که مهم‌ترین آنها عثمانی بود، مستقیماً دامن مردم را می‌گیرد، به نظر نادر چنین منازعاتی می‌توانست هر زمان هرج و مرج‌های دوران شاه سلطان حسین و شورش اقوام و طوایف غیر شیعه را زنده کند. عصاره‌ی نظر نادر را جهت زدودن اساس اختلافات مذهبی، در پیشنهاد مذهبی‌اش در دشت مغان می‌توان ملاحظه کرد.

با وجود دیدگاه‌های متعارض درباره‌ی نادر، با توجه به منابع مختلف می‌توان استنباط کرد که در هر صورت نادر به خداوند^۲ و دعا اعتقاد داشته و به قول آکسورتی حداقل به خدا اعتقاد داشته

1. Kishmishev

2. Diety

است. (ibid: 196) آبراهام کرتاتسی^۱ جاثلیق ارامنه نیز اشاره می کند در شورای دشت مغان هر روز پیش از مراسم سلام، چاووشان دعا می خواندند و بعد مهمانان اجازه داشتند رسم سلام را به جا آوردند. قبل از تاجگذاری نادر نیز ملا باشی برای او دعا کرد و مهمان ها نیز زانو زده دست بر آسمان برای نادر دعا کردند، قبل و بعد از جنگها نیز نادر مراسم دعا به جا می آورد. (ibid: 280) زیارت متوالی آستان امام رضا(ع)، عتبات عالیات و مزار ابوحنیفه نمی توانستند فقط نشانه های تظاهر مذهبی باشند. با توجه به نکات فوق الذکر می توان چنین استنباط کرد که نادر به خداوند اعتقاد داشت اما نه از طریق دین بلکه بر مبنای تجارب زندگی و اعتقادات شخصی خود.

اوضاع مذهبی قفقاز و موضع ایران در برابر دستاویزهای مذهبی عثمانی و روسیه جهت مداخله در امور قفقاز

منطقه قفقاز از دیر باز به عنوان موزائیک اقوام و مذاهب مختلف شناخته شده است. در طول تاریخ، نفوذ امپراتوری ها، فرهنگ های همسایه و مهاجرت های مختلف به قفقاز باعث به وجود آمدن محیطی تلفیقی از فرهنگها، اقوام و مذاهب مختلف شده است. چنین خصایص منحصر به فردی باعث شده است بعضی محققان معتقد گردند که هنگام سخن گفتن از نماد های فرهنگی و تمدنی قفقاز، باید از قید فرهنگ و تمدن خاص قفقازی که به مثابه وحدت و کثرت است، سخن به میان آورد. (Gadjiev, Kamaladin, 2001: 9-11) در خصوص ساختار قومی - مذهبی قفقاز عموماً توافق بر این است که ساختار فعلی منطقه به بعد از حمله تیمور و حکومت ترکانان باز می گردد و حتی می توان گفت که چشم انداز قومی - مذهبی امروز قفقاز نسبت به دوره ی نادر شاه تغییرات اندکی داشته است. در نیمه اول قرن هیجدهم در قفقاز به لحاظ مذهبی از پیروان دو آیین بزرگ اسلام و مسیحیت و اندکی یهودی تشکیل شده بود.

1. Abraham Kretatsi

دولت عثمانی پس از توسعه در جهت شرق و غرب، مدعی خلافت اسلامی و به تبع آن مالک الرقابی جهان اسلام بود، اما منافع عثمانی با منافع ایران در منطقه قفقاز به شدت در تضاد بود. دولت عثمانی در جنگ‌ها و رقابت‌های خود با ایران در قفقاز از دو الگوی مشروعیت بخشی به اقدامات خود سود می‌جست: ۱. آزاد کردن همکیشان سنی خود از دست حکومت نامشروع ایران و دیگر نابود کردن بدعت شیعه در جهان اسلام. (Tucker, S. Ernest, 2006: 17-22)

سنی‌های قفقاز هم مانند لزگی‌ها، آوارها، چرکس‌ها که بیشتر در داغستان و شیروان سکونت داشتند، به شدت مورد حمایت عثمانی‌ها بودند. از طرف دیگر امپراتوری جدید التاسیس روسیه هم با توجه به ریشه‌های بیزانسی دین و دولتش خود را وارث امپراتوری بیزانس می‌دانست و مدعی حمایت از مسیحیان شرقی از جمله مسیحیان قفقاز بود. (Toynbee, Arnold, 2003: 372-373)

اقوام مسیحی قفقاز مانند ارمنه و گرجیان در طی قرن‌ها رقابت و کشمکش‌های ایران و عثمانی صدمات بسیار دیدند؛ مضاف بر اینکه استقلال آنها دستخوش منازعات ممتد دو کشور اسلامی بود که فشارهای دینی چندی در طی قرن‌ها بر آنها تحمیل کرده بودند. بنا بر این چشم‌امید داشتن به روسیه به عنوان قدرت جدید منطقه و نجات‌دهنده ملل مسیحی از دست مسلمانان برای بسیاری از آنها رویای شیرینی بود.

از طرف دیگر سیاست قومی دولت صفوی مبتنی بر مهاجرت و تبعید اقوام و قبایل مختلف بود که در پی آن پیکره قومی - مذهبی مناطق مرزی از جمله قفقاز تا حدود زیادی تغییر کرد. دولت صفوی در جهت توسعه نفوذ سیاسی - فرهنگی خود در منطقه بر کارکرد قبایل قزلباش و اسکان آنها در مناطق نامتجانس قومی - مذهبی تکیه داشت. حاکمان محلی، کلانترها و داروغه‌های قفقاز از میان قزلباشان ساکن اران و شیروان و ارمنستان شرقی انتخاب می‌شدند. (تذکره الملوک، ۱۳۷۸)

حتی والیان کاختی و کارتلی یعنی دو قسمت گرجستان شرقی که نسبت به سایر مناطق قفقاز از خود مختاری بیشتری برخوردار بودند برای حفظ موقعیت سیاسی خود به اسلام شیعی روی می‌آوردند. سیاست‌های کوتاه‌بینانه‌ی سلاطین واپسین صفوی باعث شده بود گرایش‌های

جدایی طلبی چه در میان سنی ها و چه مسیحیان تشدید شود و جستجوی حمایت عثمانی ها و روس ها رو به تزاید گذارد. تداوم همین سیاست های واگرا و متعصبانه صفویان بود که یکی از دلایل اصلی جدا شدن قفقاز از ایران در اوایل قاجاریه گردید.

طلیعه‌ی حرکت‌های استقلال طلبانه و مرکز گریز در قفقاز، لزگی های داغستان بودند که با اتحاد با دیگر اقوام داغستان و شیروان مثل آوارها و طبرسرانی ها علیه دولت مرکزی ایران سر به شورش برداشتند و نغمه جدایی سر دادند. (Bakikhanov, Abbas Ghuli, 1996 : 101-103) آرامنه و گرجیان هم سعی داشتند با کمک دیگر نیرو های قفقازی و با جلب مساعدت روسیه، کشور های خود را از سیطره ایران و عثمانی که پس از انعقاد عهد نامه استانبول با روسیه به سال ۱۷۲۴م. بخش عمده‌ی قفقاز را در اختیار داشت، (Diplomaticheskii slovar, 2:490) برهانند. ولی مسلماً روس ها اهداف و مطامع خود را در نظر داشتند و خواست های اقوام مسیحی قفقاز را به هیچ وجه بر اهداف خود ترجیح نمی دادند. پتر پس از جنگ طولانی مدت با سوئد به هیچ وجه نمی خواست کشورش وارد منازعه دیگری با عثمانی شود، لذا با عقد معاهده‌ی استانبول توسعه طلبی خود را در منطقه قفقاز موقتاً متوقف کرد؛ اما چندی بعد با تسخیر نواحی ساحلی غرب و جنوب دریای خزر^۱ عملاً دامنه‌ی توسعه طلبی خود را تا جنوب بحر خزر گسترده و بطلان داعیه‌ی حمایت از اقوام مسیحی قفقاز را اثبات کرد.

در چنین وضعیتی بود که عثمانی با اخذ فتوای شیخ الاسلام عبدالله افندی بار دیگر به ایران حمله کرد و پس از تسخیر قفقاز به قتل شیعیان آنجا مبادرت ورزید. بیم از کشتار عثمانیان باعث نزدیکی اقوام و ملیت های مذهبی مختلف به یکدیگر شد، شیعیان گنجه با ارمنیان قره باغ عهد دوستی و کمک متقابل علیه لزگیان سنی و حامیان عثمانی شان بستند. (Unusov, Arif, 2004 : 85-86) این وضعیت تا پیش از غلبه‌ی نادر در قفقاز باعث برتری موقعیت عثمانی ها در قفقاز

۱. در واقع روسیه طبق قرارداد ۱۲ سپتامبر ۱۷۲۳ که با سفیر ایران اسماعیل بیگ در سن پترزبورگ امضاء کرده بود صاحب تمام نواحی ساحلی دریای خزر از استرآباد تا دربند شده بود ولی شاه طهماسب دوم این قرارداد را تصدیق نکرد، اما چندی بعد همان نواحی طبق قرارداد استانبول ۱۷۲۴ بین روسیه و عثمانی متعلق به روسیه شناخته شد ولی روس ها عملاً فقط گیلان و نواحی ساحلی قفقاز را تسخیر کردند و به مازندران و استرآباد وارد نشدند.

شده بود. عثمانی ها در این زمان مناطق مختلف قفقاز بخصوص شیروان و داغستان را به رهبران لزگی، آوار مثل اوسمی و شمخال و دیگر حاکمان سنی مذهب واگذار کردند. عثمانی ها حتی جهت تقویت نیرو های خود در شماخی و داغستان با دستاویز مساعدت به برادران سنی لزگی از نیروی نظامی خانات کریمه هم استفاده کردند. (Bakikhanov, Abbas, 1926: 117)

ولی با درخشش نادر، موضع پیشین ایران در امور مذهبی و سیاسی قفقاز انعطاف پذیر شد و بر اساس شرایط موجود^۱ قرار گرفت، صرف نظر از اینکه اقوام مذکور پیرو چه دینی بودند، نادر سیاست عملگرایانه و واقع گرایانه ای در قبال آنها اتخاذ کرد و اساس سیاستش را بر عملکرد آنان فارغ از اعتقادات مذهبی شان قرار داد.

حاکمان ارمنی یا همان ملیک ها^۲ به خوبی وجه المصلحه شدن خود را در سیاست های روس و عثمانی درک کردند و برای آزاد سازی کشور خود از سیطره عثمانی به همکاری با نادر روی آوردند. (Hay Zhoghovrdi Patmutyun, 1972, 4: 180-183)

والیان گرجستان هم به حمایت از نادر پرداختند و حتی برای گرفتن منصب والیگری گرجستان از نادر به رقابت با یکدیگر برخاستند. در مقابل موضع نادر روشن بود، هر کس به اطاعت وی گردن می نهاد و در جنگ با عثمانی یاری اش می کرد، مورد محبت و لطف وی قرار می گرفت و هر کس تردید و دودلی داشت و از او اطاعت نمی کرد یا نبود می شد یا به شدت سرکوب می گردید.

1. State of affairs

2. Melik (حاکم، مالک)

مناسبات نادر با مسیحیان قفقاز و نهاد جاثلیقی ارمنستان

دردوران حکومت ضعیف و لرزان شاه سلطان حسین در ارکان مختلف کشوری مانند سپاه، تجارت، ملک و مالیات بحران‌های شدیدی حادث شده بود. این مسایل دلایل داخلی و خارجی داشتند که در اینجا مجال پرداختن به همه‌ی آنها نیست؛ فقط باید اشاره کرد که سیاست‌های دولت نسبت به اقلیت‌های قومی و مذهبی باعث ایجاد شکاف در یکپارچگی کشور، نضج اندیشه‌های جدایی طلبی و شورش علیه حکومت مرکزی ایران شده بود که در اثر شورش یکی از اقلیت‌های مذهبی دولت صفوی سقوط کرد. در این اوضاع نابسامان نادر روزهای جوانی اش را در شمال خراسان می‌گذراند، یورش متعدد ابدالی‌ها، دخالت‌های دائم خانان ازبک در امور خراسان، شورش‌های مداوم لزگی‌ها و آوارها در قفقاز و از همه بیشتر رقابت و جنگ‌های دیرپای ایران و عثمانی به لحاظ تاریخی و طبق نظریه توین بی - چالش و پاسخ - چالش بزرگی بود که باعث عدم پیشرفت طبیعی ایران گردید. (Toynbee, Arnold, 2003: 113-126) در پاسخ این چالش برخاستن نادر و بخصوص پیشنهاد وی برای حل مشکلات مذهبی چه در داخل و چه در روابط با همسایگان از طریق الحاق دو مذهب اصلی اسلام کاملاً نیاز تاریخی و پاسخ طبیعی بود. نادر با انجام این کار جاه طلبی‌های شخصی خودش را جهت کسب رهبری جهان اسلام نیز در نظر داشت (لکه‌هارت، لارنس، ۲۵۳۷: ۳۵۰)

از نظر نادر مسلم بود، اساس مذهب جدید ایران که از دوران صفویه نضج و تثبیت شده بود، از بین رفتنی نبود؛ ولی پیشنهاد‌های نادر اثرات غیر قابل انکاری بخصوص در داخل ایران و در روابط با عثمانی به وجود آورد. در داخل ایران در بلند مدت شکاف بزرگی بین دولت و عالمان دینی به وجود آورد و در دوران قاجاریه دولت با تصدیق اساس مشروعیت علمای شیعه، مکمل دین شد به جای اینکه دین درون دولت قرار گیرد. (Tucker, Ernest, 2006: 5)

در بعد خارجی به ویژه در روابط با عثمانی پس از صلح زهاب، عثمانی متعهد شد که به بهانه مذهبی با ایران جنگ نکند و در حق حجاج ایران احترامات لازمه را رعایت کند و از آنان مالیات و عوارض اضافی گرفته نشود. ایران نیز موظف شد که سب و لعن خلفای راشدین را کنار بگذارد. قبلاً در هیچ صلحنامه‌ای بین ایران و عثمانی مسایل مذهبی چنین واضح بیان نشده بود و تاریخ هم

نشان می دهد که ایران و عثمانی هم در حفظ این معاهده بسیار می کوشیدند. پس می توان استنباط کرد که پاسخ تاریخی نادر به چالش تاریخی واقعاً نتایج تاریخی به وجود آورد و خوب یا بد تاثیر خود را بر روند تاریخی ایران نهاد.

وقتی که نادر برای نخستین بار برای پس گرفتن قفقاز از عثمانی ها و روسها به قفقاز لشکر کشید، سیاست واقع گرایانه ای در پیش گرفت و با تساهل مذهبی نسبت به مسیحیان قفقاز یعنی ارامنه و گرجیان رفتار کرد. بر طبق اسناد آرشیو ماتناداران در این دوره منافع ایران نادری و نهاد جاثلیقی اچمیادزین با یکدیگر هماهنگ و همگرا شدند، دیگر منابع قفقازی نیز این مساله را تأیید می کنند. (Abraham Yerevantsi,1939-Abraham Kretatsi,1973)

سقناق های^۱ ارمنی واقع در زانگزور و قره باغ در سال ۱۷۲۵ با شاه طهماسب دوم تماس برقرار کرده بودند، ولی این تماس ها فقط در سال ۱۷۲۷ نتیجه مثبت داد؛ وقتی که رهبر مقاومت ارامنه داود بیگ^۲ با ستاد شاه طهماسب که نزدیک ارمنستان بودند وارد مذاکره شدند.

(Leo, Hayots Patmutyun,1946 : 692)

هم شاه طهماسب دوم و هم داود بیگ به خوبی درک کرده بودند که عثمانی دشمن مشترک آنان هستند و بایستی با همدستی و اتفاق علیه آن بجنگند. پس ریشه همکاری نادر با ملیک های ارمنی به قبل از پیوستن نادر به خدمت شاه طهماسب بر می گردد. به این ترتیب هنگامی که نادر در سال ۱۷۳۴ برای اولین بار وارد قفقاز شد، ملیک های ارمنی با قشون خود به یاری و خدمت وی شتافتند و ملازم رکاب او شدند.

مورخ ارمنی آبراهام یروانتسی اشاره می کند که در قشون نادر به هنگام نبرد با توپال عثمان پاشا شش گروه سرباز ارمنی تحت رهبری فرماندهان ارمنی می جنگیدند (Abraham, Yerevantsi, 1939 : 69-70) نادر هم متقابلاً احترام ملیک های ارمنستان را پاس می داشت؛ به عنوان مثال به ملیک شاهنظریان در منطقه گقار کونیک^۳ که با قشون خود به یاری

۱. واژه ای است ترکی - مغولی به معنای پایگاه های نظامی و چریکی در کوهها

2. David Bek

3. Gegharkunik

نادر آمده بود، لطف و مرحمت بسیار نشان داد و به ملیک های ارمنی توصیه می کرد که نسبت به هم رفتار خوبی داشته باشند (Hay Zhoghovrdi Patmutyun, 1972: 182)

محمد کاظم مروی می نویسد که یکی از ملیک های متنفذ ارمنی به نام ملیک یگان نزد نادر عنوان کرد که روابط حسنه با جاثلیق ارمنستان اهمیت وافری دارد. (مروی، محمد کاظم، ۱۹۶۰: ۱۰۸) نادر هم خود به این معنا پی برده بود که طرفداری مردم مناطقی که در آن می جنگید برای موفق شدنش از اهمیت ویژه ای برخوردار است. جاثلیق کرتاتسی نیز اشاره می کند که با توصیه ملیک های ارمنی به استقبال نادر رفت و مورد محبت وی قرار گرفت، نادر هم با هیئت همراه وارد کلیسای اچمیادزین شد و با دقت مراسم دینی را دنبال می کرد. (Abraham, Kretatsi, 1973: 200-198) از اسناد فوق الذکر مستفاد می شود که در همان دیدار جاثلیق با نادر فرمان های تازه ای از سوی نادر مبنی بر تصدیق حقوق املاک اچمیادزین صادر گردید (موزه ماتناداران، دیوان جاثلیقی، دفتر ۲۹، سند ۳۵۳) بنا به درخواست آبراهام کرتاتسی میزان مالیات های ماخوذ از اچمیادزین بر طبق سنه ماضی محاسبه و اخذ شد. (همان، سند ۳۵۸)

در کتاب آبراهام کرتاتسی در چند موضع اشاره شده است که در دیدار با نادر، شاه به مسوولین ارمنستان هشدار می داد که همواره در امور مختلف نظر جاثلیق را جویا شوند و از او اطاعت کنند (Leo, Hayots Patmutyun, 1946: 70) در رقم ها و فرمان های متعدد نادر این مساله به کرات مورد تاکید قرار گرفته است (موزه ماتناداران، دیوان جاثلیقی، دفتر ۲۹، اسناد ۳۷۴-۳۷۸-۳۷۹) مسایل دیگر که مورد تاکید نادر بود در حوزه مسوولیت کلیسای اچمیادزین بود، اموری مانند ازدواج، طلاق و مسایل مربوط به ارث. در اسنادی از دوره نادر درباره مسایل مربوط به ارث آمده است که بنا به درخواست جاثلیق، نادر به طور اکید دستور داد که حاکمان و کارگزاران مانع تزویج اجباری دختران و مسلمان کردن آنها شوند. (همان، سند ۳۷۰-۳۷۷) در ارقامی دیگر نادر فرمان داد که نو مسلمانان ارمنی حق ارث بردن از والدین ارمنی خود را ندارند. (همان، سند ۳۳۰-۳۳۳)

با وجود آن که رفتار نادر به طور کلی نسبت به نهاد جاثلیقی اچمیادزین بسیار با تسامح و عطوفت آمیز بود، اما در همان دوره جاثلیقی آبراهام کرتاتسی نادر ۶۰۰ خانواده ارمنی را از تفلیس

و ایالت آرارات به خراسان تبعید می‌کند. جاثلیق که در التزام نادر در تفلیس بود، از او خواهش کرد که از تبعید خانوار های ارمنی صرف نظر کند که تنها نادر این خواهش را در باره ۳۰۰ خانوار پذیرفت و مابقی را به خراسان تبعید کرد. (Leo, Hayots Patmutyum, 1946 : 70)

نکته‌ی درخور توجه این که نادر با سیاست جابجایی و تبعید اقوام و قبایل مخالف نبود، ولی این کار اغلب توسط حکام و فرماندهان نادر پیگیری و عملی می‌شد، زیرا بسیاری از تبعید شدگان را به بردگی می‌فروختند و از این کار سود سرشاری نصیب خود می‌کردند. در دشت مغان حدود ۷۰۰ تن گرجی و ارمنی را برده کرده، به عنوان هدیه بین خانان و عوامل مختلف توزیع کردند. به همین دلیل اساساً نمی‌توان گفت که نادر رفتار منحصر به فرد و خاصی با عامه مسیحیان داشته است، بلکه رفتار همراه با تساهل و رافت آمیز عمدتاً شامل حال رهبران و بزرگان اقوام می‌شده تا عامه مردم و دقیقاً به همین دلیل است که منابع گواهی می‌دهند که ملیک های ارمنی نه فقط از نظر نظامی به نادر یاری می‌کردند بلکه در تدارک آذوقه از توده های مردم و جمع آوری مالیات ها تلاش زیادی می‌کردند. (ibid: 181-182)

نادر همیشه در حضور آبراهام کراتاسی اشاره می‌کرد چون ملت ارمنی در جنگ با عثمانی به او کمک زیادی کرده اند او نیز همواره از جاثلیق و اچمیاد زن حمایت خواهد کرد. (ibid: 182) با توجه به چنین حمایت‌هایی، ملیک های ارمنی موقعیت خود را در قره باغ تحکیم بخشیدند و حتی ملوک خمسه را به وجود آوردند که این کار توسط نادر مورد تصدیق قرار گرفت. (ibid: 185-186) به طور کلی وضعیت ارمنه‌ی قفقاز و ارمنستان در مقایسه با وضعیت ارمنه جلفای اصفهان به مراتب بهتر بود: هم مرزی ارمنستان با عثمانی، نیاز به حمایت آنها در جنگها با عثمانی و نیاز خود ارمنه به کمک نظامی و اداری نادر، باعث کسب حقوق بیشتری برای ارمنه ارمنستان و ایجاد نوعی همگرایی منطقه ای شده بود.

سیاست مذهبی نادر در گرجستان

هر چند نادر در گرجستان اقامت زیادی نداشت ولی از آنجایی که گرجستان را جزو متصرفات مطلق ایران می‌دانست در پاییز ۱۷۳۵ م به تفلیس وارد شد و منطقه سید آباد آن شهر را

تصرف کرد. پادشاه گرجستان در آن زمان طهمورث دوم بود که برای جلوگیری از ویرانی پایتخت (تفلیس) به همراه اعیان و بزرگان گرجی به استقبال نادر شتافت. (Kishmishev, 1889: 93-94) اما نادر طهمورث را برکنار کرد و به جای او علی میرزا را که حاکم تفلیس بود و تازه اسلام آورده بود به والیگری گرجستان گماشت. (مینورسکی، ولادمیر، ۱۳۶۳: ۵۳) در اینجا ملاحظه می شود که نادر به مساله دین اهمیت می دهد، ولی دلیل اصلی این برکناری آن بود که والیان گرجی در دوران پر آشوب شاه سلطان حسین و شاه طهماسب دوم به کمک دولت مرکزی ایران نیامدند و حتی شاهنواز پسر وختانگ ششم بعد از بروز اختلاف بین بزرگان زادگان گرجی نزد مصطفی پاشا حاکم ارزروم فرار کرد و از دولت عثمانی تقاضا کرد گرجستان را تصرف کند. (Yerevantsi, Abraham, 1939: 14-15) ولی بعد ها نادر به سبب اینکه طهمورث و آراکلی، سام میرزا از مدعیان سلطنت را که مورد حمایت ترکان بود، دستگیر و به دستور نادر کور کرده به قارص فرستادند، به وفاداری آنان اطمینان یافت. (حدیث نادر شاه، ۲۵۳۶: ۲۵۷)

این امر باعث شد که نادر به پاداش چنین خدمتی طهمورث شاه را ولایت کاتلی و پسرش آراکلی را ولایت کاختی دهد. (مینورسکی، ولادمیر، ۱۳۶۳: ۱۰۳-۱۰۶) هنگامی که نادر برای نخستین بار به تفلیس در آمد، آگاهی یافت که بعضی از حاکمان گرجی نظیر گیوی آمیلاخ واری و کی خسرو آوالی شویلی و دیگران به استقبال او نیامده اند. نادر این کار را حمل بر بی احترامی و عدم اطاعت دانست و سربازان خود را به قلمرو آنان گسیل داشت. سربازان ایرانی بنا به نوشته منابع، به قتل عام متمردين پرداختند. (Kishmishev, 1889: 94) حاکمان فوق الذکر نیز خود را تحت حمایت عثمانی ها قرار دادند، نادر هم جهت مجازات آنان ۶۰۰۰ گرجی را که از ترکان حمایت کرده بودند در سال ۱۷۳۵ از تفلیس به خراسان کوچاند. (Axworthy, Michael, 2006: 112) در کتاب آبراهام یروانتسی علت قتل عام تفلیس را به مساله ای دیگر نسبت می دهد. از این قرار که نادر از یکی از اعیان گرجی به نام سهراب دخترش را خواستگاری کرد، سهراب هم به شرط اینکه نادر والیگری کاختی را به او واگذارد با آن موافقت کرد. ولی سهراب در خفا به همشهریانش نامه نوشت که دخترش را به نزد نادر نفرستند، چون وی مسیحی است و نمی تواند دخترش را به عقد یک مسلمان در آورد و خود سهراب نیز به جمع شورشیان

پیوست. نادر از این مساله برآشفت و دستور قتل عام فوق الذکر را صادر کرد. (Yerevantsi, 1939: 79-81) در پی این کشتار حدود ۱۰ سال (۱۷۴۴-۱۷۳۵) شورش های متوالی در گرجستان رخ داد، به نحوی که دست آخر نادر بالاجبار والیگری گرجستان را به رسمیت شناخت. (Arunova, Ashrafyan, 1958: 263) به نظر می رسد نادر قصد داشت گرجستان را به یکی از ایالت های ایران تبدیل کند و موقعیت ولایتی آن را که در طول دوره صفویه از آن برخوردار بود لغو کند، ولی در این کار توفیق نیافت.

پیشنهاد مذهبی نادر در دشت مغان و تأثیر آن بر روابط ایران و عثمانی در قفقاز

در سال ۱۷۳۶م نادر در دشت مغان قوریلتهایی^۱ تشکیل داد و رسماً پادشاه ایران شد. شروطی که نادر برای فرمانروایی خود گذاشته بود در حوزه تحکیم حکومت سیاسی خود و به دست آوردن مشروعیت بود (Tucker, Ernest, 2006). هر چند کوشش نادر برای الحاق دو مذهب اسلام-تشیع و تسنن- نتوانست موفقیت آمیز باشد اما از تاریخ روابط ایران و عثمانی نشأت می گرفت. با این کار نادر قصد داشت به زعم عثمانی ها دلیلی مشروع برای جنگیدن با ایران را از دست آنها بگیرد و به خصومت های چند صد ساله دو ملت مسلمان خاتمه دهد. دلیل دیگر اینکه در صورت موافقت عثمانی ها نادر می توانست به فتوحات آینده خود مشروعیت ببخشد و ادعای رهبری جهان اسلام را بالحق به دست آورد، بالطبع در قفقاز نیز ایران تسلط کامل پیدا می کرد چون عثمانی دیگر بهانه‌ی مداخله در امور منطقه را توسط عاملان سنی مذهب خود از دست می داد. این امر قطعاً به نفع عثمانی نبود و قبول چنین شرطی غیر ممکن می نمود. در طی دوره صفویه لژگی ها و دیگر سنی های داغستان و شیروان مشروعیت حاکمیت سیاسی ایران را عملاً به چالش کشیدند. به نحوی که حتی پادشاهان صفوی آنان را از مالیات معاف کردند و حتی به آنها پیشکش می دادند که از مرزها حفاظت کنند و حکومت مرکزی را به رسمیت شناسند. (اوتر، ژان، ۱۳۶۳: ۹۱-۹۰)

۱. در خصوص آن که در قوریلتهای جامعه مغولی رهبر انتخاب نمی کردند بلکه رسماً نام رهبر را اعلام می کردند رجوع کنید Barthold V.V., Sochineniya, tom 7, Moskva, 1971: 742-743

نادر با توجه به روحیات و جاه طلبی هایش، نمی توانست این وضعیت را بپذیرد. مضاف بر آن حملات مداوم لزگیان به مناطق شیعه نشین و عیسوی نشین قفقاز و کشتار و غارت آن دیار باعث شد جهت تنبیه آنان به جنگ آنها برود. از سوی دیگر حمایت عثمانی و دخالت این دولت در امور داخلی ایران، نادر را خشمگین تر می کرد. تنبیه و مطیع ساختن لزگیان و داغستانی ها چندان موفقیت آمیز نبود و با اینکه نادر چندین بار اقدام به سرکوبی شورشیان داغستان کرد، اما تا آخر کار وضع خودمختاری در برابر نادر داشتند. تنبیه سخت سنی ها ی قفقاز و رهبران شان حاجی داود و سرخای خان با پیشنهاد الحاق مذاهب اسلام در دشت مغان در تعارض بود.

نادر به خوبی می دانست عثمانی ها هیچگاه به طور صلح آمیز این پیشنهاد را نخواهند پذیرفت بنابراین به این نتیجه رسید که با برهان قاطع شمشیر باید آن را عملی کند. هرچند نادر در هند، آسیای مرکزی و قفقاز به متحد کردن بخش عمده ی جهان اسلام توفیق یافت، ولی عثمانی ها با آنکه در ضعف به سر می بردند، باز یکی از قدرت های معظم جهان بودند که از پذیرش تقاضای مذهبی نادر استنکاف می کردند. پس گرفتن موقت قفقاز و تنبیه عاملان عثمانی در منطقه حداکثر کار هایی بود که نادر در قفقاز در برابر عثمانی ها انجام داد.

سیاست نادر در زمینه موقوفات و مالیات در قفقاز

یکی از منابع درآمد نادر برای تامین نیاز های ارتش حرفه اش، مصادره موقوفات و سیاست مالیاتی او نسبت به نهاد های مذهبی بود. نادر در شورای دشت مغان روحانیون را مورد خطاب قرار داد که درآمد های سرشارشان را چکار می کنند. در مقام پاسخ گفتند که این درآمد ها صرف ساخت مساجد، مدرسه ها و پرداخت حقوق روحانیون می شود تا برای موفقیت شاه و ملت شبانه روز دعا کنند. نادر گفت دعای شما مستجاب نمی شود؛ من این کشور را به کمک ارتش خود از فتنه ی افاغنه رهانیدم نه دعای شما.

پس از آن دستور مصادره موقوفات مذهبی و اخذ مالیات از سادات را می دهد و در ادامه تصریح می کند اگر مردم به روحانیون احتیاج دارند، باید خود هزینه های آنها را پرداخت کنند. (Axworthy, 2006: 171)

نادر با اتخاذ این سیاست قصد داشت میزان درآمد دولت را بالا ببرد و از نفوذ عالمان شیعی و وابستگان آنها بکاهد. اما قضایا در قفقاز کاملاً بر عکس است، رقم های نادری نه فقط حقوق و املاک قبلی اجمیادزین را تصدیق می کند (موزه ماتنا داران، دیوان ۲۹، فهرست ۱گ، اسناد ۳۶۶-۳۶۱-۳۵۹-۳۵۸) بلکه حقوق بیشتری به این نهاد اعطا می کند، مانند ساختمان کلیسای جدید، تعمیر کلیساهای قدیم، داشتن موقوفات خارج از ایالت ایروان و اخذ مالیات از آن را برای کلیسای اجمیادزین به رسمیت شناخت (همان، سند ۸۸۶) سیمئون یروانتسی که بعد از دولت نادری به مقام جاثلیقی می رسد اشاره می کند که نادر واقعا به آبراهام کراتاسی احترام می گذاشت و تا او زنده بود تمام حقوق و امتیازات اجمیادزین برقرار بود. (Yerevantsi, Simeon, 2003: 209)

پس از اولین دیدار نادر از اجمیادزین به هنگام ترک آنجا، سیصد سکه ی طلا به کلیسا اهدا کرد و همه مخارجی که کلیسا برای آذوقه ی سربازان و چارپایان متقبل شده بود به آنها باز گرداند (Kretatsi, Abraham, 1973:201-202). ولی مناسبات نادر با جاثلیق بعدی قازار جاهکتسی تیره بود. (Banber Yerevani Hamalsarani, 1994, 2(83): 94) به طوری که در سال ۱۷۴۴م او را از مقام جاثلیقی برکنار کرد. (Yerevantsi, Simeon, 2003:44-45) چنین رفتاری به کشیشان مسیحی هم کم کم تسری یافت. جونس هنوی اشاره می کند که در آغاز سال ۱۷۴۰ میان رهبر مذهبی ارامنه و بعضی از مبلغان کاتولیک اختلافی پدید آمد، قضیه را به ناچار به نادر ارجاع دادند؛ و او هم رهبر مذهبی ارامنه را به پرداخت مبلغی کلان مجبور کرد، با این استدلال که کشیشان تنها اذهان مردم را پریشان می کنند و به بهانه ی مذهب پول می گیرند، در حالی که این پول می تواند به مصرف نیازمندیهای قشون برسد. (هنوی، جونس، ۱۳۶۵:۲۶۲) اما در اسناد ماتناداران سندی با چنین محتوایی یافت نشده، حتی نادر از حضور مبلغان اروپایی در منطقه استقبال نمی کرد و همان طور که ذکر شد حقوق موقوفات مذهبی قفقاز علاوه بر کلیسای ارتودکس، کلیسای کاتولیک نخجوان را نیز در برمی گرفت و همواره از معافیت مالیاتی برخوردار بودند. (Petrushevski, 1949: 110-111) جاثلیق کراتاسی پس از دیدار با نادر از او درخواست کرد که حقوق سابق اجمیادزین را در املاک و موقوفات مذهبی همچنان تثبیت کند، چون املاک

وموقوفات هر ساله از نو حسابرسی می شدند، اما در تقاضای کراتتسی خواسته می شود مالیاتهای پرداختی جائلیق برپایه‌ی سنوات گذشته محاسبه شود و به میزان هفده تومان و پنج دینار ثابت بماند. نادر هم به میرزا کاظم حاکم ایروان دستور داد که تمام املاک و مالیاتهای ایالت چخور سعد^۱ را طبق درخواست جائلیق مطابق سال های گذشته حساب کند (Yerevantsi, Simeon, 2003:198-199) ولی در دوران جائلیق بعدی کارگزاران دولتی به تدریج این مالیات ها را اضافه کردند. (ibid:200-201) با این حال معافیت ها و امتیازات اعطایی نادر به اجمیادزین جنبه استثنایی داشت. در خصوص موقوفات شیعی در قفقاز هر چند تا به حال اسنادی به دست نیامده است، ولی رقم های شاهان صفوی به خصوص در مورد موقوفات بزرگ مزار بی بی هیبت خواهر امام رضا در نزدیکی باکو نشان می دهد که این اماکن به مراتب از معافیت های بیشتری برخوردار بودند و تمام مالیات هایی که از موقوفات این مزار متبرکه جمع آوری می شد به عنوان سیورغال به متولی بقعه اهدا می شد. این حق معافیت و سیورغال در دوران شاه طهماسب اول و شاه عباس دوم وجود داشت و ظاهراً در دوران حکومت نادر نیز حقوق مذکور تصدیق شد. (Petrushevski, 1949: 177-178)

وضعیت اران و شیروان به خاطر شورش و آشوب های متوالی و حملات پیاپی لزگی ها متفاوت بود و نادر در امور موقوفات این مناطق دخالتی نمی کرد یا فرصت آن را پیدا نکرد. در گرجستان وضع به گونه‌ای دیگر بود، کلیسای گرجی مستقیماً با حکومت مرکزی ایران وابستگی نداشت و امتیازات مالیاتی یا املاکی به توسط شاهان خودمختار یا به عبارت بهتر دیگر والیان کارتلی و کاختی اعطا می شد. کاملاً طبیعی بود که چون گرجستان شاهان خودمختار خود را داشت، نقش روحانیون مسیحی و اماکن و موقوفات وابسته به آن به مراتب کمتر بود و حتی از نظر روابط زمینداری وضع گرجستان با بقیه قفقاز و ایران متفاوت بود. آنجا نظام سرواژی یعنی وابستگی رعایای سرف به فئودال برقرار بود. (Hay Zhoghovrdi Patmutyun, 1972: 266) در عوض در ارمنستان چون حکومت خودمختار بومی وجود نداشت یا اینکه بسیار ضعیف بود

۱. نام ایروان در زبان ترکی به معنای فرورفتگی زمین و در اینجا ظاهرأ مقصود زمین پست دو طرف رود ارس در دشت آرارات است. (تذکره الملوک، ۱۳۷۸: ۱۹۲-۱۹۱)

کلیسای اجمیادزین صاحب اصلی اراضی و حقوق مربوط به اماکن مقدسه در قفقاز بود. به طور کلی می توان گفت که در طی سالهای حکومت نادر، کلیسای اجمیادزین و اراضی و مناطق وابسته به آن زیر سلطه مستقیم دولت ایران بوده است و شاه ایران در فرمانها و رقم های سلطنتی که در پاسخ خلفا و رهبران اجمیادزین صادر می کرده است سعی در حفظ اموال و منافع کلیسا و اتباع آن داشته است و به اکثر درخواست های مذهبی پاسخ مثبت می داده. البته تعرضاتی از سوی کارگزاران دولتی به حقوق ارمنیان صورت می گرفت، اما این وضع عمومیت نداشت و آرامنه اساساً تحت حمایت نادر وضعیت مساعدی داشتند. آنچه دولت ایران و کلیسای اجمیادزین را به همگرایی و معاونت یکدیگر وا می داشت، موقعیت شکننده هردوی آنها در برابر فزون طلبیهای عثمانی و حاکمان محلی بود.

اهداف نادر در آشنایی با ادیان مختلف و مخالفت با فعالیتهای مبلغان مذهبی اروپایی در قفقاز

نادر نقش دین را بخوبی در یک محیط شرقی درک کرده بود، هر چند خودش نسبت به هیچ دین و مذهبی تعصب نداشت، اما به آشنایی با ادیان اصلی کشورش راغب بود و همانطور که اشاره شد با کنجکاوی تمام مراسم کلیسای مسیحی را دنبال می کرد. از اقدامات نادر در حوزه آشنایی با ادیان، دستور وی برای ترجمه تورات، انجیل و قرآن به زبان فارسی است که این کار را بر عهده میرزا مهدی خان استر آبادی مورخ رسمی اش گذاشت. (Banber Yerevani Hamalsarani, 1994: 2(83):91) میرزا مهدیخان گروهی از عالمان دینی را گرد آورد که مرکب از هشت روحانی ارمنی کاتولیک و ارتدکس، چهار عالم مسلمان و چهار یهودی بود. کار ترجمه حدود یک سال طول کشید و بعد از بازگشت نادر از هند، روحانیون مذکور را در قزوین به حضور پذیرفت. اما به دلیل دلمشغولی حمله به لژگیاها به این مسئله چندان توجهی نکرد. هنوی می نویسد نادر در این دیدار این سؤال را مطرح کرده است که علت این همه تفارق و تشتت دینی چیست در حالی که خداوند یکی است بنابراین کتب مقدس نیز یکی هستند و به قول هنوی اندیشه ایجاد یک دین

جهانی جدید در تفکر نادر نقش بست. هر چند قول هنوی مبنی بر تصمیم نادر برای بنیان گذاری دین جدید جهانی را معتبر نمی دانند.

در میان نسخ خطی ماتنا داران اخیراً نسخه ای خطی پیدا شده که مؤلف آن یکی از همان عالمان ارمنی مترجم کتاب مقدس است که به حضور نادر بار یافته بود. نام او هوسپ جوقایتسی است که ملاحظات خود را در کتابی تحت عنوان «کنیکن» گرد آورده است. وی در کتاب خود به تفصیل جریان کار ترجمه و دیدار با نادر را توصیف می کند در بخشی از کتاب او آمده است نادر وقتی که عالمان دینی را به حضور پذیرفت، پس از سپاس از آنان گفت از آنجا بی که خداوند یکی است کتب مقدس هم یکی هستند و شما که در راه دین تلاش می کنید باید مورد حمایت قرار گیرید و به همه آنها نفری هزار تومان و ششصد سکه طلا هدیه داد (Banber Yerevani Hamalsarani: 1994: 2(83):92). عین همین سخنان در کتاب هنوی هم نقل قول شده است. پس می توان چنین گفت که سخن هنوی در تصمیم نادر برای تأسیس دین جدید مطابق واقع نیست و پیش از آنکه نادر بخواهد دین جدید بنیان گذارد در اندیشه ی گفتگو و نزدیک کردن نمایندگان ادیان مختلف بوده است. شاید اگر نادر زنده می ماند و دچار مشکلات روحی و مزاجی نمی شد می توانست یک وحدت رویه و همگرایی بین ادیان و مذاهب مختلف بوجود آورد و از منازعات مذهبی منطقه تا حدود زیادی بکاهد.

نکته ی دیگر که مقتضی است به آن اشاره ای کوتاه شود مسئله حضور مبلغان دینی اروپایی در نواحی مختلف قفقاز و ایران بود. دو سند در این خصوص در دست داریم که تقاضای جاثلیق و فرمان نادر در آنها انعکاس یافته است. هر دو سند مربوط به سال ۱۱۵۴ ق/ ۱۷۴۱ م است. در این اسناد جاثلیق ارامنه به اطلاع نادر می رساند که پاتریکهای اروپایی با دادن پول و فریب مردم ارمنی در اصفهان، تفلیس، همدان، تبریز، نخجوان و گنجه آنان را به دین خود می خوانند و به مهاجرت به کشورهای اروپایی ترغیب می کنند. به همین دلیل جمعیت اصفهان و تفلیس نصف شده و مال دیوان نقصان یافته است. علاوه بر این با همراهی و معاضدت حاکمان محلی به جاسوسی در ایران می پردازند، در پاسخ نادر فرمان می دهد که فرنگیان به هیچ وجه نباید در امور دینی ارامنه دخالت کنند و از فرنگیان تعهد گرفته شود که ارامنه را فریب ندهند و به کشورهای دیگر نفرستند. (موزه

ماتناداران، دیوان ۲۹، سند ۳۷۵، ۳۸۰) به نظر می‌رسد که کشیشان و جاسوسان اروپایی در مناطق مختلف قفقاز و ایران در تلاش بودند از طریق گرواندن ارمنی‌ها به آیین‌های مسیحی خود نفوذ کشور های متبوع خویش را افزایش دهند و نیز می‌کوشیدند از راه برانگیختن ارمنه برای مهاجرت به اروپا باعث انتقال سرمایه آنان به کشور های خود شوند که سبب رکود تجارت و تضعیف بنیه اقتصادی ایران و قفقاز می‌شد.

نتیجه

در عصر نادری و اساساً در طول تاریخ ایران، دین مهم‌ترین ابزار کسب قدرت و مشروعیت و عنصر تاثیر گذار در روابط خارجی به حساب می‌آمد. نادر با تصمیمات دقیق دیپلماتیک و نظامی موفق شد بار دیگر منطقه قفقاز را به ایران برگرداند. در منطقه متنوع قفقاز که از نژادها، زبان‌ها و ادیان گوناگون تشکیل شده بود، طرفداری از یک گروه خاص قومی و مذهبی می‌توانست اوضاع را کاملاً مغشوش کند. به این دلیل تنها سیاست عملی در حوزه دین عدم تعصب نسبت به یک مذهب یا آیین خاص بود، تقویت گروه‌های دینی مختلف جهت کسب مشروعیت سیاسی و ممانعت از سوءاستفاده از عامل دین توسط عثمانی و روسیه، سیاست اصولی نادر را در منطقه قفقاز تشکیل می‌داد. هر جا که نادر با همگرایی و مساعدت روبرو می‌شد، گروه‌های آنجا را تقویت می‌کرد و نقش و نفوذ رهبران مذهبی - سیاسی را در امور مختلف تضمین می‌کرد به گونه‌ای که نوعی تقارن و همپوشی بین سیاست دینی و سیاست عرفی نادر وجود داشت. مثال بارز والیان گرجی بودند که وقتی نادر در وفاداری آنها تردید کرد، مسایل دینی را در تصمیم‌گیری اش دخالت داد اما آنگاه که به خدمت نادر و منافع کشور در آمدند همان تصمیم تغییر یافت.

با تمام خشونت‌های نادر در عرصه‌ی سیاسی - نظامی سیاست نادر در حوزه ادیان و مذاهب همواره روشن و تابع منافع عمومی کشور بود. به دلیل سیاست‌های عمل‌گرایانه و واقع‌بینانه‌ی نادر بود که جدایی قفقاز از ایران تا اوایل عهد قاجاری به تعویق افتاد. درک درست تمام این مسایل و شناخت دقیق ویژگی‌های دینی و فرهنگی منطقه توسط نادر به ایران فرصت داد تا در رقابت با قدرت‌های جهانی آن روز نظیر روسیه و عثمانی در برگرداندن تسلط مجدد بر قفقاز توفیق یابد.

منابع

- استرآبادی، میرزا مهدی خان، (۱۳۷۷)، *جهانگشای نادری*، به اهتمام سید عبدالله انوار، تهران، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- استرآبادی، میرزا مهدی خان، (۱۳۸۴)، *دُرّه نادره*، به اهتمام سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- مروی، محمد کاظم وزیر مرو، (۱۳۵۸) *عالم آرای نادری*، به تصحیح و با مقدمه و توضیحات و حواشی و فهرست ها محمد امین ریاحی، تهران، انتشارات علمی.
- مروی، محمد کاظم وزیر مرو، (۱۹۶۵)، *عالم آرای نادری*، به تصحیح میکلوخو ماکلای، مسکو. شعبانی، رضا، (۱۳۷۳)، *تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه*، تهران، نشر قومس.
- شعبانی، رضا، (۱۳۴۹) *سیاست مذهبی نادر شاه افشار*، مجله وحید، شماره ۹.
- حدیث نادر شاهی (۲۵۳۶ شاهنشاهی) تصحیح، تحشیه و تعلیقات از رضا شعبانی، تهران، انتشارات دانشگاه ملی ایران.
- موزه دولتی نسخ خطی «ماتناداران»، آرشیو دیوان جاقلیقی اجمیادزین، آرشیو شخصی هنوی، جونس، (۱۳۶۵)، *زندگی نادر شاه*، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- اوتر، ژان، (۱۳۶۳)، *عصر نادر شاهی*، ترجمه علی اقبالی، تهران، انتشارات جاویدان.
- بازن، پیر، (۱۳۴۰) *نامه های طیب نادرشاه*، ترجمه علی اصغر حریری، تهران، چاپ تابان.
- لکهارت، لارنس، (۲۵۳۷ شاهنشاهی) *نادر شاه*، ترجمه و اقتباس مشفق همدانی، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- تذکره الملوک*، سازمان اداری حکومت صفوی یا تعلیقات مینورسکی بر تذکره الملوک، (۱۳۷۸)، به کوشش سید محمد دبیر سیاقی، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- مینورسکی، ولادمیر، (۱۳۶۳) *تاریخچه نادر شاه*، ترجمه رشید یاسمی، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- فلور، ویلم، (۱۳۶۸) *حکومت نادر شاه به روایت منابع هلندی*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، انتشارات توس.

تاریخ کمبریج، (۱۳۸۷) *تاریخ ایران دوره افشار، زندو قاجار، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران، چاپ دیبا.*

Axworthy, Michael, (2006) *The Sword of Persia: Nader Shah from Tribal Warrior to conquering Tyrant*, London-New York, I.B. Tauris & Co Ltd.

Tucker, Ernest, (2006) *Nadir Shah's Quest for Legitimacy in Post-Safavid Iran*, Gainesville, University Press of Florida.

Fraser, James, (1742), *The history of Nadir Shah*, London.

Toynbee, Arnold, (2003), *Postizheniye Istorii*, perevod Zharkova, pod redaktsiye Ukolovoi i Kharitonovicha, Moskva, Airis Press.

Toynbee, Arnold, (2003), *Civilizatsiya pered sudom Istorii*, perevod Zharkova, Kharitonovicha, Kisileva, Moskva, Airis Press.

Petrushevski, Ilya, *Ocherki po istorii feodalnikh otnoshenii v Azerbajjane i Armenii v 16-v nachale 19vv*, Leningrad, Izdatelstvo Leningradskogo Gosudarstvennogo Universiteta.

Arunova M.R., Ashrafyan K.Z., (1958), *Gosudarstvo Nadir Shaha Afshara: ocherki obshestvennikh otnoshenii v Irane 30-40-kh godov 18 veka*, Moskva, Izdatelstvo Vostochnoi Literarturi

Ucheniye Zapiski Instituta Vostokovedeniya, (1953) *Iranski sbornik*, tom Moskva, Izdatelstvo Akademii Nauk SSSR.

Gadjiev Kamaludin, (2001), *Geopolitika Kavkaza*, Moskva, Mezhdunarodniye Otnosheniya.

Bakikhanov-Ghodsii Abbas Ghuli Agha, (1926) *Gulistan Iram*, Baku.

Unusov, Arif, (2004), *Islam v Azerbajjane*, Baku.

Kishmishev S.O., (1889) *Pokhodi Nadir Shaha v Herat, Kandahar*, Indiyu I sobitiya v Persii posle ego smerti", Tiflis.

Barthold, V.V., (1971), *Sochineniya*, tom 7, Moskva.

Diplomaticheskii slovar, 1986, tom 2, Moskva.

Kretatsi, Abraham, (1973), *Povestvovaniye*, perevod na russki, kriticheski tekst, predislovoye i komentarii Ghorghanyana, Yerevan, Izdatelstvo Akademii Nauk Armyanskoi SSR.

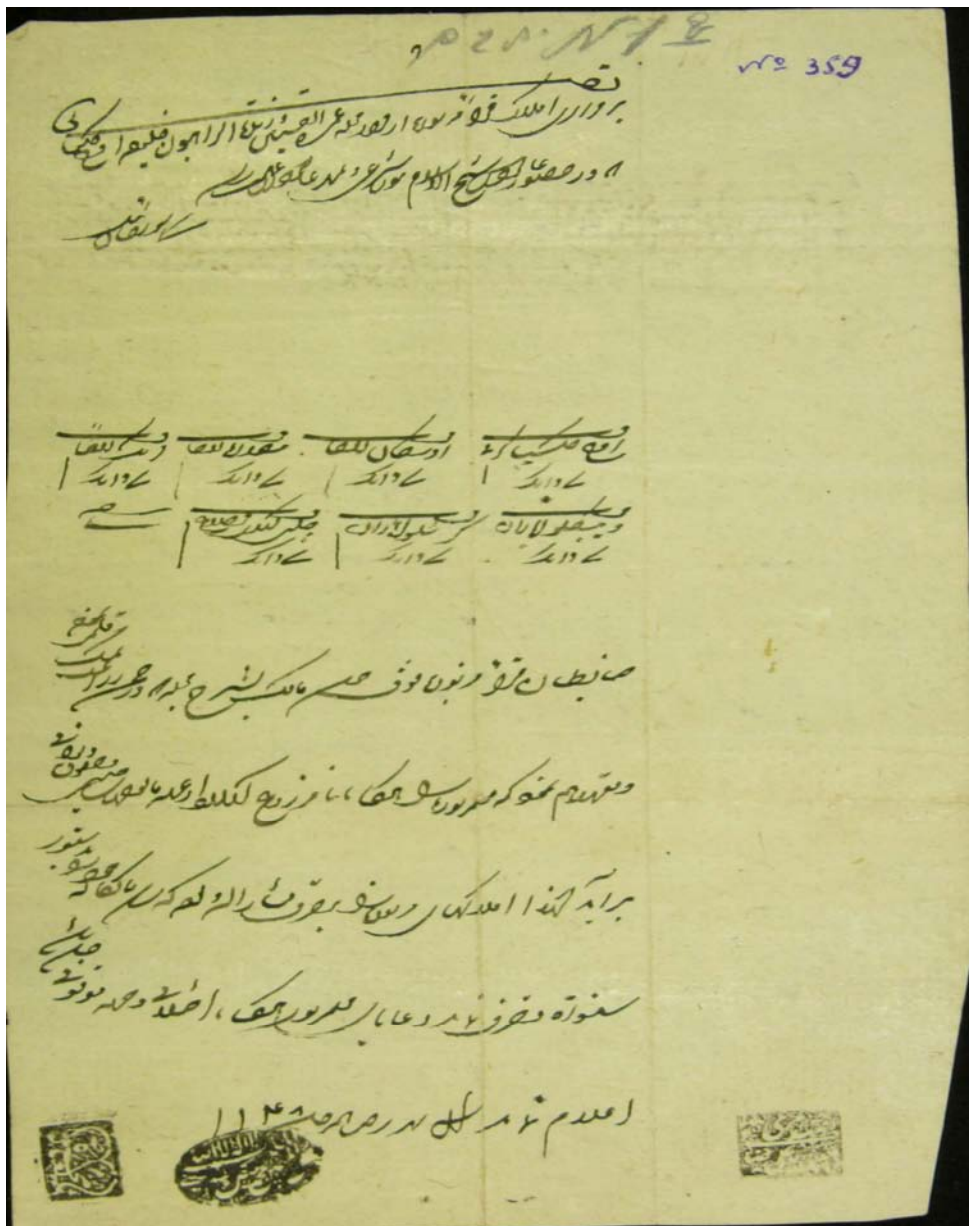
Yerevantsi, Abraham, (1939), *Istoriya voin 1721-1736gg*, redactor S.V. Ter-Avetisyan, Yerevan, Izdatelstvo Armfana.

Yerevantsi Simeon, (2003), *Jambr*, Yerevan, Mughni Hratarakchutyun.

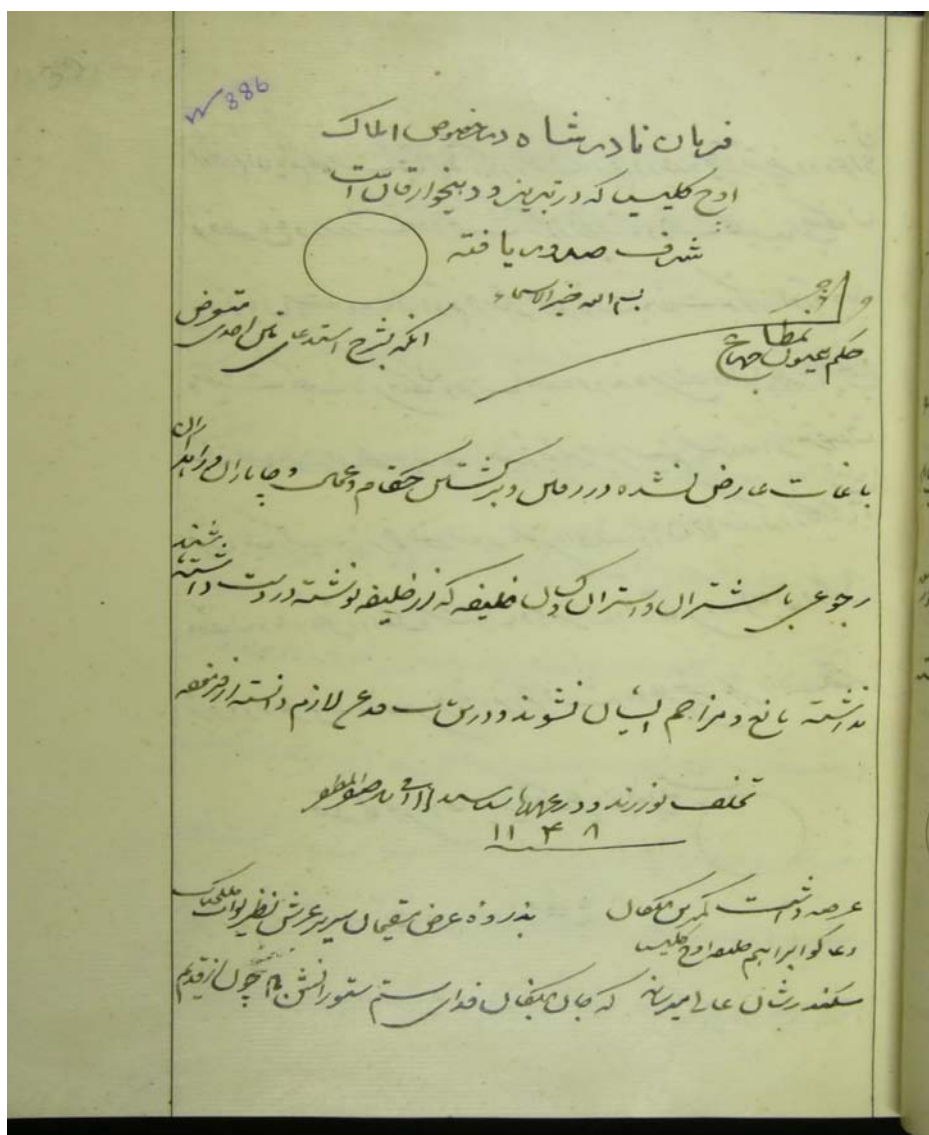
Hay Zhoghovrdi Patmyun, (1972) hator 4, Yerevan, Haykakan SSH Gitutyunneri Akademiayi Hratarakchutyun.

Leo, (1946), *Hayots Patmutyun*, hator 3, Yerevan, HSSR Gitutyunneri Akademiayi Hratarakchutyun.

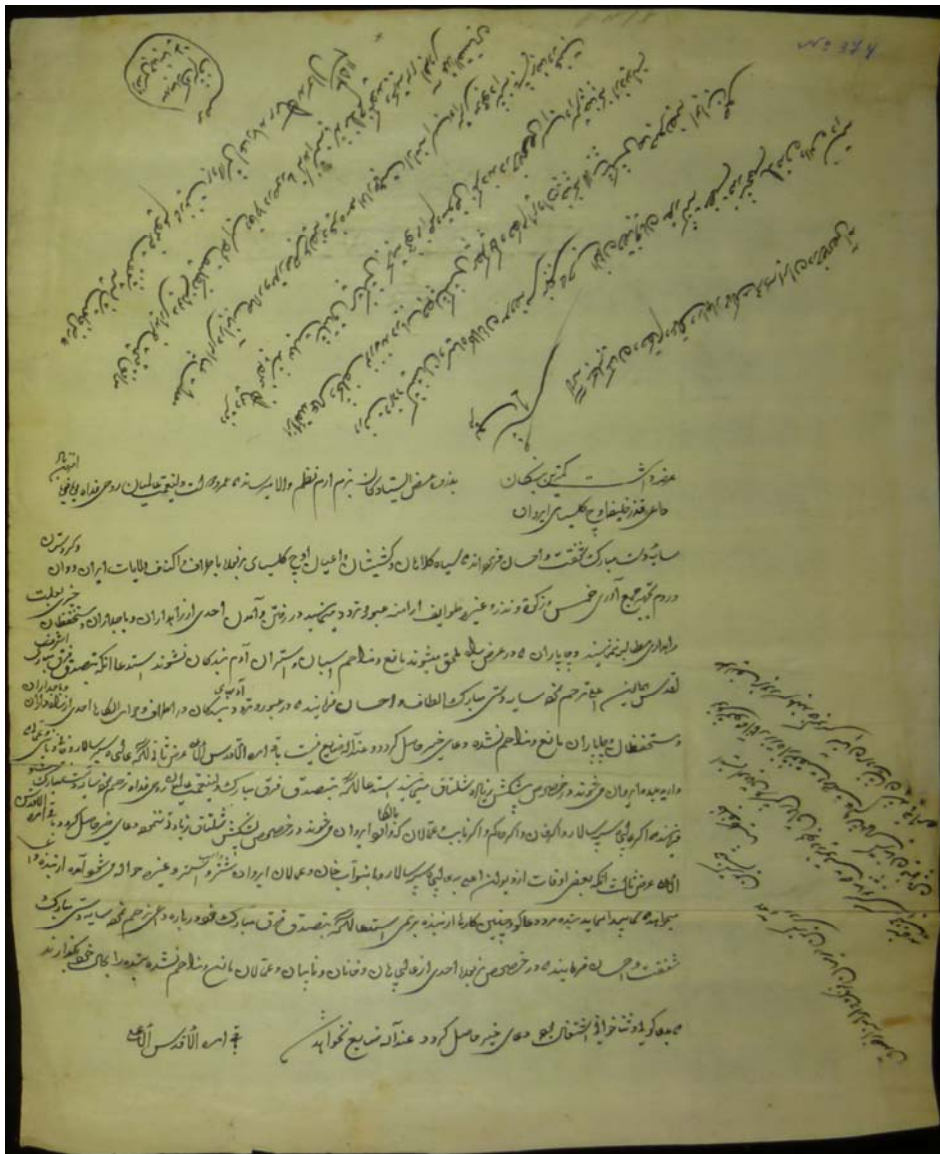
Banber Yerevani Hamalsarani, hasarakakan gitutyunner, Arandznatip #2(83), 1994, Yerevan



تصدیق مالکیت اوچ کلیسیا بر املاک ایروان از سوی شیخ الاسلام. رجب ۱۱۴۸.



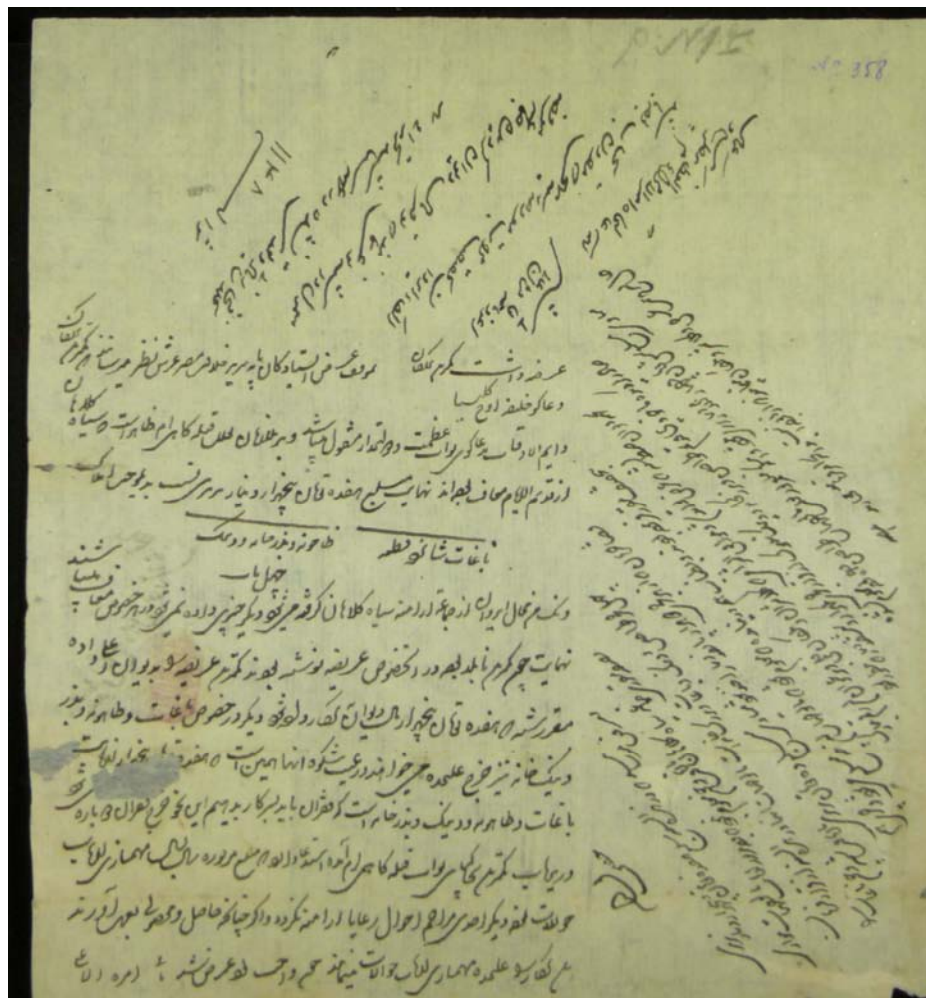
فرمان نادر شاه و بازداشتن حکام و کارگزاران دیوانی از تعرض به باغها و شترها و استران و ابستان ابراهیم خلیفه اوچ کلیسیا در تبریز . صفر المظفر ۱۱۴۸.



عریضه جائق قازار جاهکتسی و فرمان نادر برای رسیدگی به آن.



تقاضای تجدید معافیت مالیاتی از سوی یکی از اهالی ایروان



تقاضای خلیفه اوچ کلیسیا از نادر در صدور دستوری به کارگزاران دیوانی که بیش از هفده تومان و پنجهزار دینار تبریزی که در سابق از ۱۶ باغ و چهل آسیاب و دوتیک بذر خانه مالیات گرفته می شده مالیات دیگری طلب نشود.